

مشرق زمین و معنای تاریخ

ایرج افشار

بخش شرق‌شناسی دانشگاه رم در نخستین روزهای آذر امسال کنفرانسی بین‌المللی به نام «مشرق زمین و معنای تاریخ» ترتیب داد. مرا هم دعوت کردند که درباره تاریخ‌نگاری زبان فارسی و میان ایرانیان مقاله‌ای بخوانم.

جلسه افتتاحی مجمع علمی کوتاه بود. دانشمندی که از سوی آکادمی لینیچی ریاست داشت چند دقیقه‌ای درباره اعتبار این گونه مجامع و اهمیت خاص این همنشینی صحبت کرد و رشته کلام را به دست خانم ب. اسکارچیا آمورتی - که عهده‌دار امور اجرایی این مجمع است - سپرد. ایشان هم دراز سخنی نکرد. پنج شش دقیقه بیش سخن نگفت. آنچه گفت در زمینه مناسبت تشکیل این اجتماع و طرز تقسیم سخنرانی‌ها و مناسبات آنها بود.

در نخستین جلسه علمی که به خاورمیانه کهن اختصاص داشت چهار سخنرانی بود. دو تا به زبان ایتالیائی با عناوین:

— سفر در مشرق یا کشفیات باستان‌شناسی در خاورمیانه برای

پژوهش‌های تاریخی و مقاصد اقتصادی (M.Liversani دانشمند ایتالیایی)

— تاریخ و تاریخ‌نگاری اقوام سامی (G.Garbini دانشمند ایتالیایی)

دو سخنرانی بعدی به زبان انگلیسی بود از دو دانشمند دانمارکی و امریکایی با عناوین:

— تفکرات غربیان و بازتاب شرقی با آن (M.T.Lansen از دانمارک)

— اثرات کتاب مقدس در تحقیقات خاورشناسی و خاورمیانه کهن. نفوذ تاریخ‌نگاری در مطالعات مربوط به کتاب مقدس (P.Machinist از دانشگاه هاروارد).

دومین جلسه دنباله جلسه نخست بود. این بار چهار سخنرانی بر خواننده شد:

— باستان‌شناسی غربی و تاریخ حفریات باستان‌شناسی (H.Seeden خانمی باستان‌شناس از بیروت).

— مقام مصرشناسی در جریان‌های تاریخ‌نگاری خاورمیانه کهن (S.Donadoni دانشمند ایتالیایی)

— تاریخ و تاریخ‌نگاری در فرهنگ سنتی حبشه (Y.Beyene دانشمند حبشی استاد دانشگاه ناپل)

— اروپا روبه‌روی مشرق، مخالفت از روزگار ماقبل تاریخ یا استمرار فرهنگ (خانم F.Ippolit Oni.Strika از ایتالیا)

سومین جلسه قلمرو ایرانی نام داشت و دو سخنرانی در آن گنجانیده شده بود.

— مسائل تاریخ‌نگاری ارمنیان (N.Garsoian از نیویورک). این زن فاضل از آرامنه فرانسه است که به امریکا رفته و استاد دانشگاه می‌باشد و به ارمنی، فرانسه، انگلیسی و ترکی متکلم است.

- هویت ایرانی یک مبحث تاریخی (G.Gnoli ایرانشناس ایتالیایی)
چهارمین جلسه جهان اسلام نام داشت با دو سخنرانی.
- مطالعات اسلامی (Amoretti B.M.Scarcia خانم ایرانشناس استاد
دانشگاه رم و همسر ج. اسکار چیا ایرانشناس برجسته)
- هنر و باستانشناسی در جهان اسلام (U.Scerrato دانشمند ایتالیایی)
پنجمین جلسه باز دنباله جهان اسلام بود و خطابه‌های زیر خوانده شد:
- بعضی ملاحظات جدید درباره حضرت محمد (ص) و فجر اسلام
(هشام جعیط استادی از تونس)
- تاریخ جهانی، تاریخ محلی، تاریخ ملی: نظریه و روش کنونی درباره
تاریخ نگری اسلام (خانم G.Calasso دانشمند ایتالیایی)
- تحولات تاریخ نگاری فارسی با توجه خاص به دوره قاجار (ایرج
افشار)
- تاریخ اسطوره و دین: وضع آن در ترکیه (از ابراهیم اور تایلی استاد
دانشکده علوم سیاسی آنکارا)
- در ششمین جلسه که مربوط به شبه قاره هندوستان بود این گفتارها
خوانده شد:
- تاریخ ملی و تواریخ منطقه‌ای (د.روتر موند دانشمندی از هایدبرگ
آلمان)
- نظری به سهم سنت در راه تجددطلبی در دوره استعماری هند (ک.ن.
پانیکار استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو - دهلی)
- رضایت و مقاومت: عکس‌العمل مسلمانان هند شمالی نسبت به نخستین

- حکام استعماری (مشیرالحسن استاد دانشگاه جامعه ملیه اسلامیه. دهلی)
- تاریخ نگاری و هویت ملی در پاکستان (D.Bredi دانشمند ایتالیایی)
- دوره و هویت عشیرتی هندوستان (F.Sciolpi دانشمند ایتالیایی)
- وحدت هند تاریخی و انقلاب ملی: ملاحظه تاریخ نگاری (V.Ferretti دانشمند ایتالیایی)
- هفتمین جلسه درباره آسیای جنوب شرقی بود:
- تاریخ نگاری، تاریخ ملی و هویت ملی در اندونزی (S. Kartodirdjo استادی پیرمرد از جاکارتا)
- کنفوسیوس خواهی و هویت ملی در ویتنام (E.Colloti Pischel دانشمندی ایتالیایی)
- هشتمین جلسه آسیای مرکزی نام داشت و این گفتارها شنیده شد:
- مغولان به تاریخ قدیم خود فکر می کنند (از I.de Rachewiltz استاد دانشگاه کنبرا - استرالیا)
- تصور تاریخ در افغانستان (از G.Vercellin از دانشگاه ونیز)
- نهمین جلسه ادامه جلسه پیشین بود:
- گذشته باستان شناسی و وضع کنونی آن در آسیای میانه (از عصام الدین اف دانشمند ازبک)
- تصور تاریخ در میان بوداییان تبت (از E.de Rossi Filibeck دانشمندی از ایتالیا)
- اسطوره آسیای مرکزی و افسانه‌ها و برخورد با زمانه کنونی (از S.Partato)

در جلسه دهم شش سخنرانی درباره چین و در جلسه یازدهم که بنیاد ژاپن به تشکیل آن کمک کرده بود پنج سخنرانی درباره ژاپن ایراد شد. از چین دانشمند جوانی آمده بود به نام Liu Ying Sheng که متخصص تاریخ مغولستان است و کمی فارسی می‌داند. در دانشگاه پکن درس خوانده و اکنون در دانشگاه نانجینگ است. نسل رهایی یافته از انقلاب فرهنگی چین است. می‌گفت قرار شده است که گروهی با همکاری مظفر بختیار که حالا در پکن است بخش تاریخ مغول جامع‌التواریخ را به انگلیسی و چینی ترجمه کنند. نظرش را درباره ترجمه‌های روسی (دوتا) همان بخش پرسیدم. گفت در تشخیص نام‌های مغولی اشتباه‌های زیادی شده است و اسم‌ها قابل اعتماد نیست. تا کسی مغولی نداند نمی‌تواند آن نام‌ها را به درستی تشخیص بدهد که چه صورتی داشته است.

رئیسان جلسه‌ها همواره از ایتالیایی‌ها بودند ولی ایتالیایی‌های معمر، کسانی که از ارکان شرقشناسی ایتالیاند مانند روسی Gabrielli, Rossi و اسکارچیا جیوانا اسکارچیا چهل و چند سال پیش که برای تحصیل در تهران بود جوان بود و پرتوان و افسوس پس از دوازده سال دوری که او را دیدم عصابه دست دیدم. بیماری، آرتورز، او را عصابه دست کرده است و درد می‌آزاردش. جلسه‌ای که من صحبت می‌کردم ریاست جلسه با او بود. بیخ گوش من گفت هیچ می‌دانی که حالا چهل سال است با هم پیر شده‌ایم!

اسکارچیا استاد تاریخ و ادبیات ایران در دانشگاه ونیز بود و حالا چند سالی است که فقط به تدریس تاریخ مذهب ایران و تصوف می‌پردازد. نوشته‌های او همه در موضوع‌های جذاب و ابتکاری است. متن فارسی، صفت‌نامه درویش

محمدخان غازی، را سال‌ها پیش با ترجمه ایتالیایی و تعلیقات مفصل چاپ کرد و شمار دیگر کارهایش که فهرست آنها در کتابشناسی ایتالیایی ایران آمد تا سال ۱۹۸۲ درست صدتاست.

همسر اسکارچیا خانم ب. اسکارچیا آمورتی استاد زبان و ادبیات و تاریخ ایران در دانشگاه رم است. برگذار کننده عمده کنفرانس کنونی بود. او که روزگار را با همسر خویش در راه ایران‌شناسی به سر آورده هنوز شور جوانی او را به این گونه کارهایی که مستلزم دوندگی و پراکندگی است بر می‌انگیزد. هنوز سالی نگذشته است که یادنامه الندرو بوزانی به گردآوری و مباشرت او در دو جلد در سلسله انتشارات دانشگاه رم انتشار یافته است.

این را هم بنویسم که خانم آمورتی در آغاز کار دانشگاهی و پژوهش در زمینه ایران‌شناسی گرایش به ادبیات معاصر داشت و نمونه‌هایی از اشعار نو را به ایتالیایی ترجمه کرده بود، ولی پس از چندی دست از آن رشته کشید و به تتبع در تاریخ و فرهنگ گذشته ایران روی آورد. امروز یکی از برکشیده‌ترین محققان ایتالیایی در رشته ایران‌شناسی است.

حال که صحبت از یادنامه شد مناسب است مقاله‌هایی از آن را که مرتبط با فرهنگ ایران است به خوانندگان مجله بشناسانم.

مقالاتی که در دو جلد یادنامه بوزانی (۱۹۲۱-۱۹۸۸) چاپ شده در چهار رشته است. اسلام‌شناسی - تاریخ علوم - زبان‌شناسی - ادبیات در هفتاد و چهار مقاله. نام آن را «یادنامه» گذاشته‌اند و لوچیا روستاینو (L. Rostagno) با خانم اسکارچیا در چاپ کتاب همکاری کرده است. چون بوزانی به فرهنگ‌های اندونزی و مسلمانان هند و افریقا دلبستگی داشت چندین مقاله از آن میان به

ادبیات و زبان آن سرزمین‌ها مرتبط است. درین معرفی از مقاله‌هایی نام می‌بریم که با ایران پیوند دارد.

مقاله اول نوروز در «آزانی» (افریقا) نام دارد. این مقاله به مناسبت مقاله‌ای است که بوزانی درباره نوروز در ایران نوشته بود. کلمه نوروز در سومالی و آزانیا به صورت‌های نیروس، نوریس، نوریش تلفظ می‌شود. این مقاله نوشته R.Ajello است.

J.Ch. حکیمات دو فیلسوف در دو مثنوی اول و آخر نظامی

Borgel

G. Curatola یادداشتی درباره کلیم

حدود مرزی هندوستان مستعمره انگلیس، سیستان و بلوچستان

V.F. Piacentini

K.S. Ann Lambton تواریخ محلی ایران

P.Orsatti قصه آدم در ترجمه‌ای فارسی از قرآن

A. Popovic درویشان بالکان، شاذلی‌ها

J. Becka تاریخ مدنی یهودیان بخارا

Ziva Vesel زمرد و زبرجد در نوشته‌های ایرانیان

F. فرضی درباره نقوش ظروف سفدی و ساسانی براساس مقاله قبلی

Gernet

G. Bolognesi مشکلی در واژه‌شناسی ایرانی (پرده - پرتک)

W. Filers گفتار مادر

M. بهرام گور در روایات عبدالله هاتفی در منظومه هفت منظر

Bernardini

A. پیل، ژنده پیل، پیل گردنکش، پیل مست، پیل دژم در شاهنامه

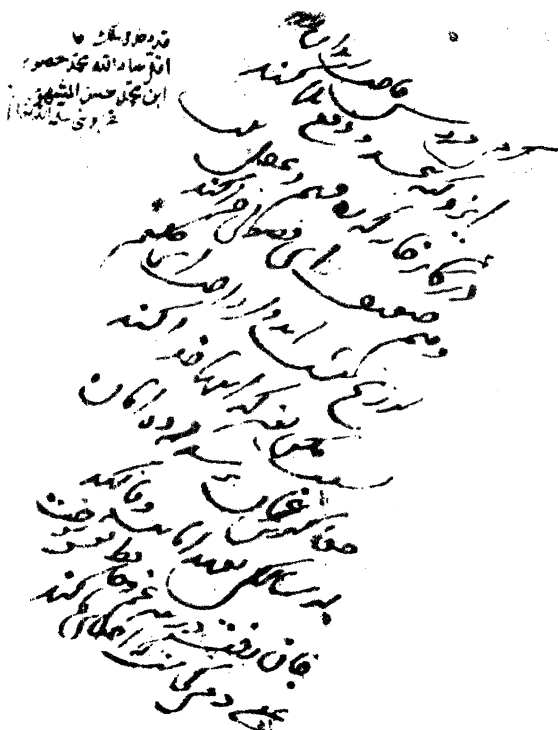
Destre

درباره یک شعر رودکی: بوی جوی مولیان... J. Giunashvili

چگونه رباعی را باید ترجمه کرد G. Lazard

ترجمه چند شعر فارسی B. Lewis

حساس بودن ترجمه یک شعر حافظ R. Zipoli



سال‌ها پیش که زیپولی از دانشجویی به تدریس در دانشگاه ونیز رسیده بود هیچ در اندیشه‌ام نمی‌گنجید که چنین زود به مدارج عالی علمی برسد. امروز از ایرانشناسان شاخص در رشته ادبیات است. طرح‌های وسیعی را با وسایل کمپیوتری برای شناخت کلمات مورد استعمال شعرای قدیم و عصر صفوی پی‌ریزی کرده است که تاکنون نتیجه ده تا از آنها به چاپ رسیده است و به

تدریج که به دستم رسیده است در مجله آینده معرفی شده است. دیشب که از راه محبت از ونیز تلفن می‌کرد و جوایای حالم بود دست از پرسش برداشتم. پرسید چه کتابی یا تحقیقی درباره جواب‌های شاعرانه شده است. پاسخی درست نداشتم بگویم. هر چه از محاضرات و اخوانیات و اقتضا و تضمین گفتم همه را می‌دانست. گفت مرادم نظیره‌گویی و تقلید نیست. می‌خواهم بیابم که شعرا چگونه مطلبی را به شعر پاسخ می‌گفته‌اند. گفتم از بدایع الوقایع واصفی و جسته گریخته‌هایی در تذکره‌ها هست غافل مباش و به یادت باشد پاسخ‌گذاری عبدالرزاق اصفهانی به خاقانی شروانی. گفت همه را می‌دانم.

در ونیز رشته ایران‌شناسی اهمیت یافته است. پیش از این شاید اهمیت این رشته در ناپل بیش بود. درست نمی‌دانم. کانون‌های ایران‌شناسی ایتالیا در رم و ناپل و ونیز است. در تورن هم درسی داده می‌شود. از میان ایران‌شناسان جوان که درین چندساله بالیده شده‌اند از سه تن یاد می‌کنم که فرصت دیدار و صحبت پیش آمد.

یکی میشل برناردینی (M. Bernardini) است. جوان است و خوش برخورد. به فارسی سخن می‌گوید و در آرزوست که بتواند سفری دیگر به ایران داشته باشد و چند ماهی بماند تا صحبت کردنش روان‌تر شود. به تاریخ ایران در روزگاران تیموریان و صفویان دلبستگی دارد. او منتهای ادبی و شاعرانی را که در سروده‌هاشان نکته‌های تاریخی دیده می‌شود می‌شناسد. آنچه به قلم او دیدم این نوشته است:

— معرفی نسخه نفیس هندی منظومه‌های هاتفی (تیمورنامه، هفت منظر و لیلی و مجنون) خط محسن بن لطف‌الله سبزواری از سال ۹۶۷ با جلد سوخت

طلاپوش نقشدار در مجله (Bollettino d'Arte سال ۱۹۸۹). چون نقش‌های روی جلد آن زیباست تصویر یک طرفش را چاپ می‌کنیم. این نسخه در واتیکان نگاه‌داری می‌شود.

— مقاله درباره ارتقیان (سلسله امرای ترکمن در دیار بکر) در جلد دوم دائرة المعارف هنر دوره قرون وسطی (۱۹۹۱).

— مقاله درباره ارباب حرف و اصناف در ممالک اسلامی در همان دائرة المعارف.

— جنبه‌های ادبی و فکری در پیوندهای میان تجمل پرستی و معماری در روزگار تیموریان

— قصه بهرام‌گور در روایت هفت منظر سروده عبدالله هاتفی.

— تیمور و بایزید سلطان روم.

برناردینی بر کتاب‌های تازه ایرانشناسی انتقاد هم می‌نویسد. از این گونه است:

— نقدی بر کتاب معماری روزگار تیموری در ایران و توران، تألیف لیزا

گولومبک و دونالد ویلسن (معرفی این کتاب در مجله آینده آمده است)

— نظری به فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا

تألیف شایسته آ. پیه مونتسه (که هم معرفی آن در مجله آینده آمده است) پیه مونتسه سمت استادی بر برناردینی داشته است.

— معرفی و نقد یادگارهایی از ایران عصر صفوی و جاهای دیگری از

شرق (۱۶۶۴-۱۶۷۸) که برگرفته شده است از نوشته‌های مقاله گونه

دائرة المعارفی درباره ایران اثر آنژدوسن ژوزف (یا ژرف لابروس طونوری) از

مردم فرانسه که مدت چهارده سال در ایران و عثمانی بود (۱۶۶۴ تا ۱۶۷۸) و اواخر دوره پادشاهی شاه عباس دوم و روزگار شاه سلیمان را مخصوصاً درک کرده است. سن ژزف که عربی می‌دانست و در ایران فارسی یاد گرفت کتابی فرهنگواره برای آموزش زبان فارسی تألیف کرد به نام *Gazophylacium Linguae Persasum* برای به دست دادن معادل‌های فارسی کلمات لاتینی، ایتالیایی، فرانسوی که در سال ۱۶۸۴ به چاپ رسید. کار باستیانس بلژیکی از این حیث با ارزش است که از کتابی کهنه سفرنامه‌ای خواندنی پرداخته و اوضاع و احوال ایران را از زبان سن ژزف به دو روایت (ترجمه متن فارسی و متن اروپایی) نقل کرده است. (آقای دکتر کریم مجتهدی درباره همین کتاب مقاله‌ای در مجله آینده سال ۱۱ نوشته‌اند).

جوان ایرانشناس دیگر خانمی است به نام پائولا اورساتی P. Orsatti پژوهش‌های او بیشتر در زمینه نسخه‌های خطی، سندشناسی و خطشناسی است. درین سال‌ها این سه مقاله را نشر کرده و جستجوگری است که آینده روشنی را پیش روی دارد آن هم در رشته‌ای که مطلعان آن در اروپا زیاد نیستند. اکنون آقای ویتکام W. Witkam در هلند، فرانسیس ریشارد در فرانسه، خانم Y. Potter در فرانسه از برجستگان این رشته‌اند. البته نام آقای پیه مونته را که درین باره مقاله‌های متعدد و تجربه طولانی دارد نباید از یاد برد که استاد همین خانم اورساتی بوده است. باری از نوشته‌های خانم اورساتی آنچه دیدم اینهاست:

— لسان الشعرا و بیان الفضلا از فرهنگ نامه‌ای فارسی هندوستان.

— قصه آدم در تفسیر سورآبادی.

— روش و مشکلات شناخت پالئوگرافی نوشته‌های عربی.

دانشمند دیگری که سالی چند پیش ازین او را در ایران دیدم ج. ورچلین (G.Vercellin) است. او در دانشگاه ونیز تدریس تاریخ ایران و افغانستان را برعهده دارد و اکنون دلبستگی پژوهشیش بیشتر به تاریخ معاصر افغانستان است. با او یاد کوشش‌های چنگیز پهلوان در میان آمد و مشتاقانه خواستار آن شد که بتواند نوشته‌های پهلوان را بیابد و بخواند. در جلسه کنگره هم مقاله‌اش درباره هویت ملی و فرهنگ افغانستان بود.

یکی از جوانان اسلام‌شناس مارکوسالاتی M.Salati است. عربی‌دان و عربی‌خوان است و رساله محققانه‌ای درباره چند وقفنامه حلب از آن سال‌های ۷۴۶ و ۸۱۰ و ۹۴۰ و ۱۰۵۸ و ۱۰۹۰ و ۱۰۱۷ و ۱۰۸۳ و ۱۰۶۴ را به چاپ و ترجمه رسانیده است. مشخصات آن نقل می‌شود که اگر صاحب همتی در ایران خواست درباره موقوفات سرزمین‌های عربی شامات بر مشهد کربلا (بنا بر ضبط بعضی از وقفنامه‌ها) تحقیق کند بدان دسترسی بیابد.

Documenti, giuridici Aleppini dei Secoli XIV-XVII in Materia di Waqf.Roma. Istituto per L'Oriente C.A. Nallino. 1991. 74p.

یکی از محققان رشته عربی که تحصیلات خود را با زبان فارسی آغاز کرد خانم Giovannra Calassa است. اکنون مدرس است و محقق و هنوز هم به زبان فارسی علاقه‌مندی نشان می‌دهد. یادگار روزگاری که بیشتر با فارسی انس داشت

تحقیق مفصل او درباره خاورنامه ابن حسام خوسفی از شعرای به نام دوره تیموری است. رساله او که چنین نام دارد:

Un' "Eopea Musulmana" di Epoca Timuride: II "Xame di Ebn Hosam". Roma. Accademia Nazionale dei Lincei. 1979. (Atti della Accademia Nazionale dei Lincei, Serie VIII, Volume XXIII, Fascicolo 5, pp. 383-539.)

درین تحقیق از خاورنامه که یک حماسه دینی ایرانی است یاد و نسخه‌ای که در کتابخانه دیوان هند (لندن) است معرفی و خلاصه‌ای از مضمون سراسر منظومه به ایتالیایی نقل شده و در ضمائم رساله فهرست اشخاص مذکور در منظومه و معرفی هر یک آمده است.

این محقق در کار خود تقریباً همه منابع ایرانی اعم از تواریخ ادبی و فهرست‌های نسخه‌های خطی را دیده و به نظم و ترتیب اروپایی هر جا که استفاده‌ای برده نشانی از آن چه دیده داده است.

در ایتالیا خانم‌ها به مطالعات خاوری علاقه‌مندی بسیار دارند و همین کنگره گویای آن است که شیفتگی زنان کم از مردان نیست. با خانمی به نام Vittoria Fontana Maria آشنا شدم که مؤلف پژوهشی ابتکاری درباره بهرام گور و آزاده است.

La Leggenda di Bahram Gur e Azada. Materiale per la storia di una tipologia figurative dalle origini al XIV Secolo. Napoli. 1986. 151 p. T 46 Figs.

مطالب این کتاب هنری و تمدنی چنین است: فهرست و معرفی ۵۳ نقش صورت بهرام گور بر روی مهرهای ساسانی و آثار دوران اسلامی از قبیل نقش‌های دیواری، ظروف فلزی (ایران و بین‌النهرین، اناطولی)، سفال یا ذکر این که نقش بهرام در آن شی به چه وضعی تصویر شده است و آن نقش اکنون کجا

نگاهداری می‌شود و در چه پژوهش‌هایی از آن ذکر به میان آمده.
 پیوست نخستین این تحقیق به شناساندن مهمترین مجالس مینیاتور نقش
 بهرام گور در بعضی از نسخه‌های خطی اختصاص دارد (شاهنامه - خمسه نظامی
 - سبعة امیر خسرو - منظومه‌های امیر علی شیر نوائی).
 موضوع دومین پیوست نقش بهرام گور در روزگاران صفوی تا پایان عمر
 قاجار است و تحلیلی از آنچه در منابع ایرانی (فارسی و عربی) هست به آن
 همراه شده است.

سومین پیوست ترجمه ایتالیایی نوشته‌هایی از ابن قتیبه، ابن فقیه، فردوسی،
 ثعالبی، مجمل التواریخ و القصص، نظامی، یاقوت، زکریای قزوینی، امیر خسرو،
 دمشقی، دمیری، امیر علی شیر نوائی، ابن ایاس است.
 کتاب با کتابشناسی مفصل و عکس‌چهل و شش نقش بهرام که مؤلف در
 شرق و غرب یافته پایان می‌گیرد. چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.
 این کتاب در سلسله انتشارات مؤسسه شرقی دانشگاهی ناپل
 Universitario Orientale Instituto چاپ شده است.

تعداد انتشارات این رشته اکنون به سی و دو رسیده است و مناسب می‌بینم
 نام و مشخصات آنها را که درباره افغانستان و ایران است نقل کنم:

III M. Schinasi, Afghanistan at the Begining of the
 Twentich Century. 9791 . افغانستان در آغاز قرن بیستم

V J. Becka. Sadriddin Ayni, Father of Modern Tajik
 Culture. 0891 . صدرالدین عینی پدر فرهنگ جدید تاجیک

VII G. Gnoli.Zoroaster's Time and Homeland. 0891 و زمان و
 سرزمین زردشت

VIII. A. V. Rossi. Iranian I. exical Elements in Brahui 9791.

عناصر لغوی فارسی در لهجه براهویی

IX G. M. DEme-Grammatica del Neopersiano. 9791 دستور

.زبان فارسی

X G. Gnoli and A.V. Rassi, (eds). Iranica. 9791

مجموعه چند مقاله در زمینه مطالعات ایرانی

XVIII A.M.Piemontese. Bibliografia italiana dell' iran (1462-1982). 2 vols. 1982 کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی

XXIV M.V.Fontana .پیش از این معرفی شد

XXXIII C. Salzman and I.G. Galaty)eds(. Nomads in a Changing world. 0991.

XXXVI The Journals of Edward Stirling in Persia and Afghanistan 1828-1829. Edited and with an introduction by jonathan I. lee. 1991.

این کتاب آخری سفرنامه ادوارد استرلینگ انگلیسی است که تاکنون به چاپ نرسیده بود و نسخه خطی آن در انجمن پادشاهی جغرافیایی انگلیس محفوظ بوده است. قسمت ایران به شرح مسافرت از بندر بوشهر به کازرون و سپس شیراز و پس از آن تهران به سبزوار و مشهد و بالامرغاب است. متأسفانه شرح مربوط به سفر شیراز به اصفهان - تهران مفقود شده است. نمونه خصوصیت جهان علمی این است که انجمنی در ایتالیا خود را محق می‌داند که با پول مردم ایتالیا کتابی را که به زبان انگلیسی و نوشته یک عامل انگلیسی و مربوط به ایران است به چاپ برساند.

درین سفر از قدمای دانشمندان ایرانشناس ایتالیایی که می‌شناختم باگ، نیولیف ج. اسکارچیا، روسی، شراتو، ج.م. تجدید دیدار شد. اما درمه و فلیپانی رونکونی را ندیدم. درمه زبانشناس است و برای ایرانیان سرشناس.

فلیپانی رونکونی در کلام و تصوف اسلامی شهره ایتالیا و آفاق است و هموست که کتاب الام اسمعیلی را چاپ کرده است و تألیفات متعددی دارد. در آغاز جوانی حدود سال ۱۳۳۲ چندی در تهران بود و در دانشگاه تهران درس خواند و با زریاب و من محشور بود. چون از زریاب و من شنیده بود جمعه‌ها به کوه نوردی می‌رویم اظهار تمایل کرد یکی از جمعه‌ها با ما بیاید. اتفاقاً روزی که قصد آمدن کرد با منوچهر ستوده و مصطفی مقربی و علیقلی جوانشیر و احمد اقتداری و جمال شهیدی قصدمان آن بود که عصر پنج‌شنبه خود را به قهوه خانه‌ای نزدیک کردان (در راه قزوین) برسانیم تا صبح زود از آنجا به سوی کوه‌های اطراف فشنند و ولیان برویم. اواسط آذر بود و هوا بسیار سرد. قهوه‌خانه‌ای که ابتدای شب در آنجا بیتوته کردیم کثیف بود و پر از دود و دم جز آن چون شوفرهای کامیون‌ها در دل شب وارد می‌شدند و مهمه می‌کردند خواب بر ما حرام شده بود. در پی چاره‌جویی نیمه شب از قهوه‌خانه بیرون آمدیم هیچ مفری نبود و چاره‌ای جز این نیافتیم به بالای کامیونی که پر از کاه بود رفتیم و خود را برای حفظ از سرما تا کمر در کاه فرو بردیم و شولاهای خود را بر سر کشیدیم تا مگر کمی به خواب برویم. فلیپانی رونکونی ایتالیایی هم ناچار به همین بیقیدی تن در داد و لابه‌لای بار کاه به جای بارگاه خوابید و یادگاری دلپذیر از سفر در ایران چهل سال پیش با خویش به ایتالیا برد. بعدها هر بار که او را چه در ایران چه در ایتالیا دیدم به یاد این واقعه می‌افتاد و بازگو می‌کرد. این بار هم اگر تجدید دیدار اتفاق افتاده بود قطعاً به تعریف می‌پرداخت و می‌خندید. هر کجا هست خدایا به سلامت دارش. مردی است دانشمند و در مسیحیت صاحب اعتبار.

ایتالیایی‌ها در ایران‌شناسی اگر از پیشگامان نبوده‌اند از برجستگان بوده‌اند. در قرن گذشته چند تن از آنها با اقران خویش گوی هم‌ترازی می‌زدند. از آنها که من در جوانی خود دیدم انریکو چرولی (البته ایران‌شناس تمام‌عیار نبود ولی در شرق‌شناسی مقامی والا داشت)، آلفونسو گابریلی، گابریلی، گ. مسینا (محقق زبان پهلوی) - اتوره روسی، اندرو بوزانی.

دنیای علم آگاهی از سابقه ایران‌شناسی ایتالیا را مدیون آنجللوم. پیه مونته است. او اکنون ریزن فرهنگی ایتالیاست، ولی عمرش را در کارهای دانشگاهی و در رشته ایران‌شناسی گذرانیده و دارای چندین کتاب اساسی و پنجاه شصت مقاله ممتاز و ابتکاری در آن زمینه است. کارهای عمده او اینهاست:

— شناختن و شناساندن شاهنامه خطی مورخ ۶۱۴ که قرن‌هایی در کتابخانه دیری بود و اکنون در کتابخانه ملی فلورنس است. این نسخه اکنون از پایه‌های چاپ علمی جلال خالقی مطلق است.

— تاریخ ادبیات ایران به زبان ایتالیایی در دو جلد.

— فهرست نسخه‌های خطی فارسی که در کتابخانه‌های مختلف ایتالیا نگاه‌داری می‌شود و معرفی آن در مجله آینده (شماره پیش) آمده است.

— کتاب‌شناسی ایران در زبان ایتالیایی در دو جلد و قریب به هزار صفحه. درین کتاب‌شناسی نام و مشخصات ۶۸۸۵ کتاب و مقاله آمده است. همین اثر بزرگ گواه کوشش‌های ایران‌شناسی ایتالیاست و طبعاً ما هم سپاسگزار زحمات سال‌های دراز پیه مونته‌ایم که می‌توانیم به وسیله کتاب او بر کارهای ایتالیایی‌ها در زمینه تاریخ و ادبیات خودمان دست بیاوریم.

از نوشته‌های ابتکاری او که انگیزه من در نگارش مقاله تاریخیچه عکاسی ایران شد مقاله‌ای است درباره نخستین عکس‌هایی از ایران که توسط یک عکاس ایتالیایی در اوایل اختراع دوربین عکاسی برداشته شده و یک نسخه آلبوم آن عکس‌ها در یکی از گنجینه‌های ایتالیا موجود بوده است و نسخه دیگری از آن آلبوم که به ناصرالدین شاه تقدیم شده بود و در بیوتات سلطنتی ایران نگاه‌داری شده و هست.

سخن از پیه مونتسه ما را به نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ می‌کشد. نسخه‌ای که آوازه‌مند شد. و دو سه تنی هم درباره آن سخن‌های مخالف گفتند و نوشتند. به همین ملاحظه آهنگ آن کردم درین سفر به فلورانس (فیرنزه در زبان ایتالیایی) بروم و نسخه را ببینم و دیده‌های خود را برای دوستداران نقل کنم. به لفظ خانم اسکارچیا آمورتی راهی شدم. پیه مونتسه هم برایم سفارش‌نامه‌ای به کتابخانه نوشته بود که این گنج نامور را نشانم بدهند و تصور نشود که «توریستم». پیه مونتسه زمانی که این نسخه را در کتابخانه فلورانس جست فوراً مقاله‌ای مفصل در معرفی آن نوشت که در مجله *Annali* (ناپل) چاپ شد. و بخشی کوتاه از آن در مجله آینده چند سال پیش به چاپ رسید. سبب این که پیه مونتسه از بودن این نسخه در فلورانس آگاه شد این بود که او سال‌ها بود در همه کتابخانه‌های ایتالیا در پی یافتن و فهرست کردن نسخه‌های فارسی بود و با کنجکاوی توانست نه تنها این نسخه، بلکه ده‌ها نسخه مهم دیگر را بشناساند. از آن زمره است منطق‌الطیر مصور مورخ ۸۵۷ که از نسخه‌های مصور کم نظیر است و شاید یگانه منطق‌الطیر مصور. همچنین است مجموعه‌ای از قرن هفتم هجری که در آن مقداری از اشعار فارسی امام فخر رازی (به زودی در نامواره دکتر

محمود افشار به چاپ می‌رسد) و شمس‌الدین بیلقانی و شمس‌الدین جوزجانی و شهاب اطلسی مندرج است.

با کاروانی شوق به فلورانس رفتم که شاهنامه مورخ ۶۱۴ را زیارت کنم اما دریغا بخش نسخه‌های خطی شرقی بسته بود. نسخه‌ها را در جعبه‌ها و صندوق‌ها کرده بودند که مخزن را به منظور ایمنی سیم‌کشی تازه بکنند. گناه بخت من است این گناه دریا نیست.